

## اثربخشی آموزش مهارت های تفکر انتقادی بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر

افسر خلیلی<sup>۱</sup>، فرامرز سهرابی<sup>۲</sup>، محمدحسن رادمنش<sup>۳</sup>، مهدی افخمی اردکانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۰

### چکیده

**مقدمه:** هدف پژوهش حاضر بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش نسبت به مواد مخدر در دانش آموزان پسر دبیرستان های شهر یزد بود. **روش:** طرح پژوهش از نوع آزمایشی با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری در این طرح کلیه دانش آموزان پسر سال اول مقطع دبیرستان شهرستان یزد هستند که در دو ناحیه آموزش و پرورش در سال ۸۸-۸۷ مشغول به تحصیل بودند. پس از انتخاب یک دبیرستان پسرانه و جایگزینی تصادفی آزمودنی ها به دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر)، پرسشنامه نگرش نسبت به مواد مخدر در مورد هر دو گروه اجرا شد. گروه آزمایش، آموزش تفکر انتقادی را در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای به صورت هر هفته یک جلسه دریافت کردند. در گروه کنترل هیچ تغییری اعمال نشد و آن ها در انتظار آموزش ماندند. پس از اجرای مداخله آموزشی، از هر دو گروه پس آزمون به عمل آمد. سپس از تحلیل کواریانس و آزمون لوین برای تحلیل استفاده شد. **یافته ها:** یافته های تحقیق بیانگر این مطلب است که پیش فرض همگنی شیب ها و همگنی واریانس ها تأیید می گردد. معناداری F کواریانس در سطح (P ≤ ۰/۰۵) نشان می دهد که آموزش تفکر انتقادی تأثیر گذار است. **نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که آموزش تفکر انتقادی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد، مؤثر بوده است.

**کلید واژه ها:** مهارت تفکر انتقادی، نگرش، نگرش نسبت به مواد مخدر، سوء مصرف مواد

۱. کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

۲. دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی

۳. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، رئیس گروه آموزش پیش دبستانی و دبستانی استان یزد

۴. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه تهران. پست الکترونیک: [afkhami\\_ard@yahoo.com](mailto:afkhami_ard@yahoo.com)

## مقدمه

بی تردید اعتیاد به مواد مخدر یکی از بلایایی است که همه‌ی انسان‌ها به ویژه جوانان را تهدید می‌کند. مثلث «فقر، جهل و اعتیاد»، پویایی، بالندگی، نشاط و خلاقیت را از بعضی جوانان گرفته و از آن‌ها انسان‌هایی بیمار و بی‌خاصیت ساخته است. افزون بر آن، اعتیاد، ناهنجاری‌های روانی و عوارض جسمی در پی داشته و هزاران انسان را به کام مرگ فرستاده است. در ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و داشتن نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با دو کشور افغانستان و پاکستان که سالانه بیش از ۳۵۰۰ تن مواد مخدر تولید می‌کنند و همچنین جوان بودن جمعیت کشور شاهد گسترش روز افزون اعتیاد در بین نوجوانان و جوانان هستیم. آمارهای موجود نشان می‌دهند که حدود ۱۶ درصد از معتادین ایران کمتر از ۱۹ سال سن دارند و ۲۸ درصد آن‌ها بین ۲۰ تا ۲۴ سالگی به اعتیاد روی می‌آورند (برقی، ۱۳۸۱).

با عنایت به این یافته‌ها، دوره نوجوانی را می‌توان یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی یک فرد و یک روند منحصر به فرد دانست. این دوره یک زمان بحرانی رشد و نمو است که از نظر جسمی و روانی تحولات بسیار عمیقی در فرد ایجاد می‌کند و باعث می‌شود نظم جسمانی و روانی نوجوان به هم بخورد. نوجوانان در این دوره از لحاظ عاطفی نارس، از نظر تجربه محدود و از نظر اجتماعی بسیار شکننده و تأثیرپذیر هستند.

در ادبیات علمی معاصر، کمتر کسی از صاحب نظران اعتیاد وجود دارد که درمان یک بعدی؛ چه صرفاً دارویی و چه صرفاً غیر دارویی را به عنوان درمان اعتیاد پیشنهاد کند، بلکه ترکیبی از آن‌ها را ضروری می‌داند. با این حال مؤثرترین درمان‌ها نیز عود بالایی داشته‌اند. در چنین شرایطی پیشگیری به طور منطقی جایگزین می‌شود. هدف از پیشگیری به تأخیر انداختن یا جلوگیری از شروع استفاده از مواد مخدر در جامعه است. یکی از روش‌های پیشگیرانه در برابر مصرف مواد مخدر، آگاه‌سازی افراد در مورد خطرهای و مضرات مواد مخدر، اصلاح نگرش افراد از نگرش مثبت به نگرش منفی به اعتیاد، معتاد و مواد مخدر است (خلیلی، ۱۳۸۷).

درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن گران و دشوار است و سیستم درمانی جامعی با رویکردهای مختلف دارو درمانی، روان درمانی و بازپروری را می طلبد. تأکید افراطی بر یکی از جنبه‌ها و رها ساختن سایر موارد با شکست درمان و عود بالا همراه است (بوتوین و بوتوین<sup>۱</sup> ۱۹۹۷، به نقل از عبد... پور، ۱۳۸۷).

به عقیده فیش بین<sup>۲</sup> (۱۹۶۷)، مصرف مواد مخدر تحت تأثیر نگرشی است که نوجوانان به مواد دارند. از یک سو شکل گیری نگرش مثبت یا منفی ناشی از ترکیب دانش، اطلاعات، باورها و عواطف نوجوانان درباره مواد مخدر و از سوی دیگر میزان ارزشمندی که آن‌ها برای مواد قائل هستند نحوه‌ی نگرش آن‌ها نسبت به مواد را تشکیل می‌دهد. موضوع نگرش افراد در بسیاری از مباحث روان شناسی از جمله روان شناسی اجتماعی، شناختی و... مورد نظر بوده است و روان شناسان معتقدند که میان نگرش افراد، عملکرد و رفتارشان رابطه‌ای مستحکم وجود دارد و افراد بر اساس نوع باوری که نسبت به مواد مخدر دارند، یا به مصرف آن روی می آورند و یا این که مصرف مواد را ترک می‌کنند. ایزر<sup>۳</sup>، استفن<sup>۴</sup> و مالاری<sup>۵</sup> (۱۹۷۸) تحقیقی را در زمینه تأثیر نمایش بر استعمال مواد مخدر انجام دادند که نشان می‌داد ایجاد نگرش منفی درباره اعتیاد و ترک آن در عده زیادی از مصرف کنندگان باعث درمان شده است. در تحقیقی که در کشور ژاپن در زمینه اعتیاد صورت گرفته است، عوامل مؤثر در ترک اعتیاد مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که نگرش نسبت به مواد مخدر در میزان موفقیت در عدم مصرف مواد مخدر و عدم تداوم آن رابطه مثبت وجود دارد؛ همچنین بین پذیرش معنویت و نگرش نسبت به مواد مخدر رابطه مثبت یافت شد. بعلاوه بین پذیرش معنویت و تقلید مهارت‌های مثبت و مؤثر در ایجاد ترک رابطه مثبت گزارش شد. (کندو<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۰، به نقل از

از رئیسی، ۱۳۸۲). بنابراین، یکی از راه های کنترل تقاضا، تغییر نگرش افراد نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است. نگرش ها بخش اصلی هویت انسان و مرکز و محور روان شناسی اجتماعی هستند و بر رفتار، پردازش اطلاعات و رویارویی اجتماعی تأثیر گذاشته و بخشی از خود انگاره فرد را تشکیل می دهند (بوهنر<sup>۱</sup> و وانک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

آموزش مهارت های ارتباطی، تصمیم گیری و مراحل حل مساله به صورت ایفای نقش باعث کاهش مصرف سیگار، الکل و سایر موادمخدر می شود (ارکارت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱ به نقل از عبد ا. پور، ۱۳۸۷).

در رویکردهای جدید پیشگیری از اعتیاد یکی از راه های تغییر نگرش، آموزش برنامه مهارت های زندگی<sup>۴</sup> است. مهارت های زندگی، یکی از راهبردهای متمرکز بر فرد بوده و تلاش می کند از طریق افزایش توانایی مقابله ای افراد، ظرفیت آنان را در جهت مقابله با چالش ها، کشمکش ها و ناملازمات زندگی روزمره ارتقا دهند. به عبارت دیگر افراد را در برابر مشکلات ایمن کنند. برنامه آموزش مهارت های زندگی توسط گیلبرت، جی و بوتوین در سال ۱۹۷۹ میلادی مطرح شد. این برنامه آموزشی به نوجوانان یاد می دهد که چگونه با استفاده از مهارت های رفتار جسورانه، تصمیم گیری و تفکر انتقادی در مقابل وسوسه و یا پیشنهاد سوء مصرف مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. هدف بوتوین طراحی یک برنامه واحد پیشگیری اولیه بود (به نقل از رحمتی، ۱۳۸۳).

طارمیان (۱۳۸۰)، پژوهشی درباره ی اثر بخشی آموزش مهارت های زندگی به منظور پیشگیری در نوجوانان را با گروه کنترل نا برابر و با استفاده از پیش آزمون و پس آزمون انجام داد. یکی از فرضیه های اصلی این پژوهش، تأثیر برنامه آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به مواد مخدر بود. نتایج حاکی از اثبات تأثیر مهارت های زندگی بود؛ به این معنی که دانش آموزان شرکت کننده در کلاس های

1. Bohner  
2. Wanke  
3. Ercart  
4. life skills

آموزش مهارت‌های زندگی نسبت به گروه کنترل نگرش منفی تری نسبت به مواد مخدر پیدا کرده بودند.

در تحقیقی که عبد.ا. پور (۱۳۸۷) درباره‌ی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد انجام داد به این نتیجه رسید که مداخله آموزشی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به مواد مخدر مؤثر بوده است. تفکر انتقادی<sup>۱</sup> به مثابه یکی از مهارت‌های زندگی، بیشتر به عنوان توانایی افراد متفکر برای به چالش کشیدن تفکراتشان درک می‌شود. این توانایی مستلزم این است که آن‌ها معیارهای خود را برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکراتشان گسترش دهند و به صورت عادی از آن معیارها برای گسترش کیفیت تفکراتشان استفاده کنند (پاول<sup>۲</sup> و الدر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). لیپمن<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) بیان می‌کند که "تفکر انتقادی، تفکری ماهرانه و پاسخگو است که داوری خوب را تسهیل می‌کند زیرا متکی بر ملاک، خود تصحیح کننده<sup>۵</sup> و نسبت به شرایط حساس است."

آموزش تفکر انتقادی که یکی از انواع مهارت‌های زندگی است، به منظور بالا بردن سطح ارتقاء بهداشت روان و غلبه یافتن بر ضعف‌های فرد است که گمان می‌رود خطر سوء مصرف مواد را افزایش دهد. آموزش تفکر انتقادی بر بعضی از متغیرهای میانجی گر از قبیل شناخت‌ها و نگرش‌های نوجوانان نسبت به مواد مخدر تأثیر دارد.

آموزش مهارت تفکر انتقادی، به تقویت قابلیت‌های ذهنی و شناختی و تفکر مستدل و تیز بینانه نوجوان منجر می‌شود. نوجوان می‌تواند برای حل مسائل پیچیده، اطلاعات حاصل از منابع و دیدگاه‌های مختلف را با هم تلفیق کرده و مورد بررسی قرار دهد تا بواسطه‌ی تجزیه و تحلیل خوب و دقیق، فرضیه‌های متفاوت ساخته و به آزمایش بگذارد و سرانجام

به گونه ای منتقدانه قضاوت کند (هالپرن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸، به نقل از عسگری، ۱۳۸۴). همچنین این آموزش باعث می شود که نوجوان با ذهنی باز و با تأمل و تفکر و احترام به نظرات دیگران و روحیه پرسشگری به اطراف خود بنگرد و فریب ترفندهای تبلیغاتی مختلف (علمی، هنری، سیاسی، اجتماعی و...) را نخورد و نگرش عاقلانه و مستدلی نسبت به مسائل پیرامون خود پیدا کند (رفیع زاده، ۱۳۸۴).

مهارت های مهم در تفکر انتقادی که به نوجوان در بررسی روایی ادعاها، اظهار نظرها و تبلیغات یاری می رسانند به این شرح می باشند: ۱- تشخیص بین واقعه قابل اثبات با ادعاهای ذهنی ۲- تشخیص اطلاعات، ادعاها و استدلال های معتبر از نامعتبر ۳- تعیین درستی واقعی اظهار نظر ۴- تعیین اعتبار منابع ۵- تعیین ابهام های ادعاها و مباحث ۶- مشخص کردن پیش فرض های بیان نشده ۷- تشخیص سوگیری ها ۸- مشخص کردن خطاهای منطقی ۹- تشخیص ناهمخوانی های منطقی در یک استدلال و ۱۰- تعیین نقاط قوت یک بحث یا یک ادعا (بیر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). با عنایت به اینکه نوجوانی دوره تغییرات جسمی، اجتماعی و روانی است و عموماً شامل یک دوره پر فشار در طول دوره طبیعی رشد می باشد و فشارهای روانی اضافی، زمینه را برای عملکرد ضعیف نوجوان مهیا می کند (پارسخیان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷)، اما اگر انسان و مخصوصاً نوجوان مسلح به مهارت های زندگی و تفکر باشد، قطعاً از این مشکلات فشار زا به سلامت خواهد گذشت.

با توجه به موارد مطرح شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا آموزش مهارت تفکر انتقادی، تأثیری بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر خواهد داشت؟

1. Halpern  
2. Beyer  
3. Parsekhian

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح کلی این پژوهش با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش یک طرح آزمایشی<sup>۱</sup> با پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه کنترل است؛ بدین صورت که پس از انتخاب گروه نمونه و انتصاب تصادفی آن‌ها به گروه‌های آزمایشی و کنترل، از هر دو گروه در یک زمان پیش‌آزمون به عمل آمد.

پس از آن برنامه آموزش تفکر انتقادی در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هر هفته یک جلسه برای گروه آزمایش به اجرا درآمد و برای گروه کنترل هیچ برنامه‌ای اجرا نشد. پس از پایان این مدت به منظور مقایسه اثر این مداخله از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد و نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش‌آموزان پسر تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در یکی از دبیرستان‌های شهر یزد در اول دبیرستان مشغول به تحصیل بوده‌اند. هر چند در این پژوهش به دلیل محدودیت‌هایی، امکان هم‌تا کردن آزمودنی‌ها به لحاظ سطح اعتیاد‌پذیری و نوع نگرش نسبت به مواد مخدر وجود نداشت، ولی دانش‌آموزان از بسیاری جهات از قبیل سن، سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی در یک سطح قرار داشتند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بود. بدین صورت که در شهر یزد از میان دبیرستان‌های پسرانه یک دبیرستان، به شکل تصادفی انتخاب شد. بعد از آن لیست کلیه کلاس‌های اول این دبیرستان تهیه و بطور تصادفی دو گروه از بین آن‌ها انتخاب شدند. در نهایت از طریق گمارش تصادفی یک گروه به گروه کنترل و یک گروه به گروه آزمایش تخصیص داده شد. تعداد افراد هر گروه ۲۰ نفر بود. بنابراین، کل آزمودنی‌های ما در این پژوهش در گروه آزمایش و کنترل ۴۰ نفر بودند.

## ابزار

پرسشنامه نگرش سنج نسبت به مصرف مواد مخدر: این پرسشنامه دارای ۳۴ سؤال است که توسط رحمتی (۱۳۸۳) تدوین شده است. برای هر یک از سوالات سه گزینه که در بردارنده اظهار یا حکم مجزایی نسبت به مواد مخدر و مصرف آن بود نمراتی معادل صفر (نگرش منفی)، یک (نگرش متوسط) و دو (نگرش مثبت) به عنوان ارزش میزانی آنها اختصاص یافت که حداقل نمره هر فرد صفر و حداکثر نمره وی ۶۸ بود.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسشنامه نگرش سنج نشان می دهد که پرسشنامه از ۴ مقیاس نگرش کلی، باورها (شناختی)، هیجانها (عاطفی) و آمادگی برای عمل (رفتاری) تشکیل شده است (رحمتی، ۱۳۸۳).

رحمتی (۱۳۸۳) اعتبار پرسشنامه نگرش سنج نسبت به مواد مخدر را به دو طریق آزموده است که ضریب اعتبار حاصل از روش باز آزمایی آزمون روی ۱۰۰ آزمودنی و با فاصله یک هفته از اجرای اولیه آزمون برای کل گروه ۰/۸۰ بدست آمد و ضریب اعتبار حاصل از روش همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ قبل از اصلاح ۰/۷۳ و بعد از حذف سؤالات ضعیف ۰/۸۰ گزارش شده است.

اعتبار پرسشنامه نگرش سنج توسط محقق نیز با دو روش باز آزمایی و آلفای کرونباخ محاسبه شد. ۳۰ نفر از دانش آموزان به صورت جداگانه پرسشنامه نگرش سنج را پاسخ دادند. دو هفته بعد همان گروه مجدداً مورد سنجش قرار گرفتند. ضریب اعتبار حاصل از این روش ۰/۷۱ به دست آمد. آلفای کرونباخ نیز ۰/۸۵ گزارش شد. برای بدست آوردن روایی صوری، پرسشنامه توسط پژوهشگر برای ۵ نفر از اساتید متخصص ارسال شد و در نهایت روایی صوری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت.

## یافته‌ها

آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در نمرات پیش آزمون و پس آزمون پرسشنامه نگرش نسبت به مصرف مواد در جدول ۱ ارائه شده است.



نمره بالا در پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد، به معنی نگرش مثبت و گرایش به سوء مصرف مواد می‌باشد. نتایج حاصل نشانگر این مطلب است که میانگین نمرات پس آزمون در گروه آزمایش کاهش یافته است.

**جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر در گروه آزمایش و کنترل**

متغیرها	گروه‌ها	آزمایش		کنترل	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
مؤلفه رفتاری	پیش آزمون	۵/۶۱	۳/۵۳	۴/۰۱	۲/۹۲
	پس آزمون	۲/۲۸	۱/۷۱	۴/۲۲	۳/۴۷
مؤلفه عاطفی	پیش آزمون	۶/۶۷	۳/۵۳	۵/۷۵	۲/۶۵
	پس آزمون	۵/۲۸	۲/۷۱	۵/۹۲	۳/۰۷
مؤلفه شناختی	پیش آزمون	۱۰/۱۱	۳/۵۰	۷/۳۹	۲/۷۲
	پس آزمون	۴/۹۴	۲/۷۳	۶/۸۲	۳/۵۸
نگرش عمومی	پیش آزمون	۴/۸۳	۲/۴۱	۴/۷۵	۲/۸۲
	پس آزمون	۲/۱۱	۱/۹۹	۴/۶۸	۲/۴۷
نمره کلی نگرش	پیش آزمون	۲۷/۲۲	۱۰	۲۱/۹۰	۸/۷۱
	پس آزمون	۱۴/۶۱	۵/۴۵	۲۱/۶۴	۱۱/۱۶

نتایج تحلیل توصیفی نشان می‌دهد که میانگین پس آزمون گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در کلیه ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری، عمومی و همچنین نگرش کلی کاهش یافته است.

بر اساس جدول ۲، نتایج حاصل از آزمون لون در زیر مقیاس‌ها و مقیاس کلی نگرش نسبت به مواد مخدر معنادار نمی‌باشد. همچنین نتایج حاصل از بررسی شیب خط رگرسیون در هیچ یک از زیر مقیاس‌ها و مقیاس کلی معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲: آزمون تحلیل کواریانس و پیش شرط‌های آن در نگرش نسبت به سوء مصرف مواد

متغیرها	همگنی واریانس‌ها		همگنی شیب‌ها		تحلیل کواریانس	
	F	سطح معنی داری	F	سطح معنی داری	F	سطح معنی داری
نگرش شناختی	۰/۰۲	۰/۷۵	۱/۰۸	۰/۳۴	۶/۹۴	۰/۱۳
نگرش عاطفی	۰/۱۸	۰/۵۸	۰/۴۲	۰/۴۳	۱/۲۱	۰/۲۷
نگرش رفتاری	۴/۳۳	۰/۰۳۵	۴/۰۹	۰/۰۹	۵/۳۸	۰/۰۲۷
نگرش عمومی	۰/۴۳	۰/۴۹	۲/۴	۰/۱۸	۲/۹۷	۰/۰۴
نمره کل نگرش	۰/۳۴	۰/۵۶	۲/۳۸	۰/۱۰۸	۵/۲۲	۰/۰۲۹

بنابراین، فرض همگنی شیب‌ها در گروه آزمایش و کنترل نیز تأیید می‌گردد. اما نتایج تحلیل کواریانس در نگرش شناختی حکایت از معناداری دارد ( $F=6/94$  &  $P < 0/05$ ). این بدین معناست که آموزش تفکر انتقادی در کاهش نمره نگرش شناختی اثربخش بوده است. همچنین در زیر مقیاس نگرش رفتاری ( $F=5/38$  &  $P < 0/05$ )، نگرش عمومی ( $F=3/97$  &  $P < 0/05$ ) و کل نگرش ( $F=5/22$  &  $P < 0/05$ ) اثر بخشی شیوه درمانی در کاهش نمرات به اثبات رسیده است. تنها در زیر مقیاس نگرش عاطفی ( $F=1/21$  &  $P > 0/05$ ) مداخله اثر بخش نبوده است.

### بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تعیین اثر بخشی برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است. نتیجه آزمون تحلیل کواریانس، برای مقایسه میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش و کنترل در نمره مؤلفه عاطفی نسبت به سوء مصرف مواد نشان می‌دهد که F کواریانس در این بعد معنادار نیست. معنادار نبودن

آزمون F به این معنی است که آموزش مهارت تفکر انتقادی نتوانسته است بر مؤلفه عاطفی نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر تأثیر بگذارد و آن‌ها را منفی کند. عدم تأثیر آموزش تفکر انتقادی روی مؤلفه عاطفی می‌تواند به دلایل مختلفی باشد. به نظر محقق، جنسیت پسر بودن آزمودنی‌ها، که منطقی و استدلالی بودن آن‌ها را می‌رساند می‌تواند یکی از عوامل باشد. عامل دیگر آموزش تفکر انتقادی است؛ چرا که آموزش تفکر انتقادی احساساتی بودن را رد می‌کند و روی موارد شناختی و استدلالی تأکید می‌کند. مورد سوم را می‌توان اشکال در ابزار دانست. فرهنگ هر منطقه نیز می‌تواند در این مورد مد نظر قرار گیرد.

اما نتیجه آزمون تحلیل کواریانس، برای مقایسه میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش و کنترل در نمره مؤلفه شناختی و رفتاری و عمومی نسبت به سوء مصرف مواد نشان می‌دهد که F کواریانس معنادار است. معناداری آزمون F به این معنی است که آموزش مهارت تفکر انتقادی نتوانسته است، علاوه بر جنبه رفتاری دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر بر باورهای غلط و شناخت غیر واقع بینانه دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر تأثیر بگذارد.

مقایسه یافته‌های پژوهش با یافته‌های نظری و تجربی از جهت تأثیر مداخله آموزشی (آموزش تفکر انتقادی) بر نگرش‌های ویژه مواد و ایجاد تغییر در آن‌ها با بعضی از یافته‌های گزارش شده هم‌سوایی دارد.

نتایج پژوهش محمد خانی (۱۳۸۵) نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی تغییر معناداری در تمایل نوجوانان به مصرف مواد و عوامل خطر ساز فردی مصرف مواد از قبیل خود پنداری، مهارت‌های خود کنترلی، مهارت‌های اجتماعی، کانون کنترل و نگرش نسبت به مصرف مواد ایجاد کرده است. در پژوهش عسگری (۱۳۸۴) آزمودنی‌های گروه آزمایش پس از دریافت آموزش نقش‌گذاری روانی، تغییر معناداری در تغییر نگرش (شناختی، عاطفی، رفتاری) نسبت به مواد مخدر در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند. در پژوهش رحمتی (۱۳۸۳) آزمودنی‌های گروه آزمایش، بعد از دریافت آموزش

مهارت های مقابله ای به روش بحث گروهی تغییر معناداری در نگرش (شناختی، عاطفی، رفتاری) نسبت به سوء مصرف مواد در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند و پژوهش توانست نظر آنها نسبت به سوء مصرف مواد را منفی تر سازد. باقری (۱۳۸۱) در تحقیق خود دریافت که آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به مواد مخدر تأثیر دارد.

در مجموع نتایج کلی پژوهش تأیید دیگری است بر یافته های آن دسته از پژوهش هایی که اثر بخشی مداخلات آموزشی از نوع آموزش مهارت های زندگی را به عنوان متغیر مستقل بر پیشگیری از سوء مصرف مواد و متغیرهای مرتبط با آن اثبات نموده اند. به طوری که علاوه بر شواهد یاد شده، بوتوین، گریفین<sup>۱</sup>، دیاز<sup>۲</sup>، ایفیل-ویلیامز<sup>۳</sup> و اپستین<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) داده اند که اجرای برنامه های آموزش مهارت های زندگی و برنامه های ارتقاء بخشی صلاحیت و مقاومت اجتماعی توانسته است بر نگرش های مرتبط با سوء مصرف مواد به عنوان یکی از متغیرهای میانجی گر مهم در رفتار سوء مصرف مواد اثرات معناداری بر جای بگذارد. هم چنین بوتوین، گریفین، پل<sup>۵</sup> و ماکولاری<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت های زندگی و صلاحیت فردی و اجتماعی عمومی به دانش آموزان، می تواند بر نگرش ضد مواد و رفتار سوء مصرف اثرات معنادار بر جای بگذارد. هم چنین بخشی از تأثیر برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش هم سو با دیدگاه ایوانز و همکاران می باشد (به نقل از رحمتی، ۱۳۸۳). آن ها در مطالعات خود نشان دادند که آموزش مهارت های مقابله ای و مجهز کردن نوجوانان به مهارت های ضروری و مورد نیاز به منظور شناسایی و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و نیز آگاه سازی آنها از فنون تبلیغاتی و متقاعد سازی رسانه ها و آماده کردن آنها برای مقابله با

1. Griffin  
2. Diaz  
3. Ifill-Williams  
4. Epstein  
5. Paul  
6. Macaulary

فشارهای مستقیم و غیر مستقیم همسالان، بر همبسته های روان شناختی مصرف مواد از قبیل باورها و نگرش های آنان تأثیر می گذارد.

بر اساس نظر آجزن که سوء مصرف مواد را متأثر از سه سازه (نگرش ها، هنجارها و کنترل رفتاری ادراک شده) می داند، مداخله آموزشی می تواند موقعیتی ایجاد کند که نوجوان به ابزار تفکر نقادانه و منطقی دست یابد و در برابر فشارهای اجتماعی برای مصرف مواد، توانایی مقاومت داشته و رفتار خود را کنترل کند (آجزن<sup>۱</sup> و فیش بین ۱۹۸۰). بدین ترتیب، نتایج حاصل از انجام پژوهش حاضر، علاوه بر هماهنگی با چارچوب های نظری موجود، از همراهی و حمایت بعضی از پژوهش های تجربی از قبیل رحمتی (۱۳۸۳)؛ بوتوین و همکاران (۲۰۰۳)؛ محمد خانی (۱۳۸۵) و عسگری، (۱۳۸۴) برخوردار است. این پژوهش می تواند هم موید جهت گیری نظام های آموزش و پرورش رسمی به سمت توسعه مداخلات آموزشی پیشگیرانه از سوء مصرف مواد مخدر در بین کودکان و نوجوانان دانش آموز باشد و هم می تواند به منزله یک پشتوانه پژوهشی در جهت تأکید بر ضرورت و اثر بخشی مداخلات آموزشی محسوب شود. خصوصاً آن دسته از مداخلات آموزشی که هدف آن ها آموزش مهارت تفکر انتقادی برای مصون سازی روانی و ذهنی دانش آموزان در مقابل سوء مصرف مواد مخدر و سایر مواد غیر مجاز است.

با توجه به این شرایط، به نقش مدارس به عنوان مرکزی مهم و حیاتی برای پیشگیری از این آسیب و آسیب های دیگر توجه ویژه ای شده است. در برنامه های مربوط به پیشگیری از اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در مدارس، برنامه های آموزشی جایگاه ویژه ای دارد. این برنامه ها با هدف کاهش تقاضا یعنی ایجاد نوعی مصونیت ذهنی و روانی در برابر سوء مصرف مواد مخدر تدوین و اجرا می شوند. از جمله موضوعاتی که می تواند محور آموزش در کلاس درس قرار گیرد، آموزش مهارت تفکر انتقادی است. با آموزش مهارت تفکر انتقادی می توانیم دانش آموزانی پرورش دهیم که هیچ نظر و مطلبی را بی چون و چرا نپذیرند و اعمال و رفتار و حرف های افراد جامعه (الگوها) را تحلیل و ارزیابی کنند.

1. Ajzen

پژوهش حاضر گامی در جهت درک و فهم و پیشگیری از عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با مصرف مواد در نوجوان است و نتایج قابل قبولی براساس یافته‌های تحقیق، برای پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان ارائه می‌دهد و نشان داد که برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر ارتقاء توانمندی فردی و اجتماعی، در پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان بسیار مؤثرند. برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی، یک برنامه پیشگیری اولیه متمرکز بر فرد است و هدف اصلی آموزش این برنامه، ایجاد تغییر در عوامل فردی و روان شناختی مؤثر در گرایش نوجوانان به شروع مصرف مواد محسوب می‌شود. براساس یافته‌های این تحقیق، آموزش مهارت تفکر انتقادی به دانش آموزان برای تغییر نگرش آن‌ها نسبت به مواد مخدر و پیشگیری از مصرف مواد امری ضروری است.

این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی همراه بود که مهم‌ترین آن عدم امکان هم‌تا کردن شرکت کنندگان گروه آزمایش و کنترل از نظر نوع نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر قبل از اجرای برنامه آموزشی بود. بنابراین، به منظور بالا بردن کیفیت چنین پژوهش‌هایی پیشنهاد می‌شود قبل از اجرا، افراد از نظر نوع متغیر مورد مطالعه هم‌تا شوند تا همه افراد در یک سطح قرار داشته باشند و با انگیزه بیشتری در پژوهش مشارکت کنند. در صورت وجود امکانات، بهتر است این پژوهش در نمونه‌های بزرگتر و مناطق و شهرهای مختلف اجرا شود تا امکان تعمیم آن به جوامع مختلف وجود داشته باشد. همچنین بعد از اجرای برنامه به فواصل زمانی شش ماه، یک سال و دو سال پیگیری انجام شود تا میزان ثبات نگرش و سطح اعتیاد پذیری در شرکت کنندگان مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود که الگوی مداخله آموزشی به صورت آزمایشی در تعدادی از مدارس اجرا شده، سپس نتایج آن مورد مقایسه، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. همچنین کارگاه‌های آموزشی توسط متخصصان این امر برای آشنایی مدیران، دبیران، والدین و دانش آموزان با ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی برگزار شود و رسانه‌های گروهی هم به آموزش و اشاعه و ترویج این مهارت در تمام سطوح جامعه پردازند.

## منابع

- باقری، منصوره (۱۳۸۰). نقش آموزش مهارت‌های زندگی در دانش، نگرش و عزت نفس دانش آموزان مقطع راهنمایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- برقی، فتانه (۱۳۸۱). سنجش اعتیاد پذیری دانش آموزان دبیرستان‌های تهران به منظور شناسایی افراد مستعد سوء مصرف مواد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی
- رفیع‌زاده تفتی، فاطمه (۱۳۸۴). بررسی میزان آشنایی دبیران شهرستان تفت با تفکر انتقادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
- رئیمی، امر... (۱۳۸۲). بررسی علل میزان و شیوع بزهکاری (فرار از منزل و استفاده از مواد مخدر) در بین دانش آموزان استان چهارمحال و بختیاری. مرکز تحقیقات فرهنگیان استان قم.
- رحمتی، عباس (۱۳۸۳). تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به شیوه بحث گروهی بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شورای نویسندگان [کمیسیون پیشگیری از اعتیاد استان یزد] (۱۳۸۲). اعتیاد پیشگیری یا درمان؟ یزد: نیکو روش.
- طارمیان، فرهاد (۱۳۸۰). بررسی اثر بخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان سال اول راهنمایی. دفتر پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر.
- عبد... پور، مرتضی (۱۳۸۷). اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- عسگری، امین (۱۳۸۴). تأثیر نقش گذاری روانی (سایکودرام) بر تغییر نگرش دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های شهر خرم‌آباد نسبت به اعتیاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمد خانی، شهرام (۱۳۸۵). مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر: ارزیابی اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر عوامل میانجی مصرف مواد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- Ajzen, I. and Fishbein, M. (1980). **Understanding attitude and predicting social behavior**. Englewood Cliffs, NJ; Prentice – Hall.
- Beyer, B. K. (1995). **Critical thinking**. Phi Delta Kappa Education Foundation, (pp. 8). Indiana: Bloomington.
- Bohner, G. Wanke, M. (2002). **Attitude and Attitude, Change**. USA. Psychology Press.
- Botvin, G., Griffin, K. W., Diaz, T., Ifill - Williams, C. & Epstein, J. A. (2001). Preventing binge drinking during early adolescence: One- and two- year follow- up of a school- based Preventive intervention. **Psychology of Addictive Behaviors**, 15, 360-365.
- Botvin, G., Griffin, K. W., Paul .E., & Macaulary. A. P. (2003). Preventing tobacco and alcohol use among elementary school students through skills Training. **Journal of child & Adolescent Substance Abuse**.
- Eiser. R. Staphen. J., & Mallary, W. (1978). Can Tv influence Drug abuse? **British journal of addiction**.
- Fishbein, M. (1967). **Reading in Attitude Theory and Measurement**. John Wiley and Sons. Inc.
- Lipman, M. (1988). Critical Thinking- What can it be? **Educational leadership**, 46, 1,38-43.
- Parsekhian, Adik. (2007). **The Relationship Among Substance Abuse, Education, Parental Attitude, History of Physical Abuse, Social Support, And Child Abuse by Adolescent Mothers**. In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Social Work. California State University, Long Beach.
- Paul, R, and Elder. (1998). Critical Thinking: why we must transform our teaching. **Jornal of Development Education**.